



رابطه بین تداعی‌های تصویری از یک قطعه مقوایی ثابت بی‌هدف با درون‌گرایی - برون‌گرایی و میزان خلاقیت گروهی از هنرمندان تجسمی

افسانه ناظری* پریسا داروئی** کریم عسگری*** صالح غائی****

۲۵

چکیده

تداعی تصویری ذهنی از فرمی مبهم و بی‌شکل، ممکن است برای هر شخصی اتفاق افتد اما تبدیل آن به فرمی عینی به صورت رسامی در حیطه توانایی‌های یک هنرمند است. در این پژوهش رابطه بین تداعی‌های تصویری ترسیم‌شده از یک قطعه مقوایی بی‌هدف به عنوان الگو توسط هنرمندان، با نوع شخصیت و میزان خلاقیت آنها بررسی می‌شود. نمونه پژوهش شامل ۸۰ هنرمند در مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکتری دانشگاه هنر اصفهان و انجمن هنرمندان نقاش اصفهان بوده است که به صورت نمونه‌گیری تصادفی در دسترس، انتخاب شده‌اند. به افراد، یک قطعه سفید مقوایی با فرمی بی‌هدف و یکسان داده شده و از آنان خواسته شد تصویر تداعی‌شده در ذهن خود را روی آن ترسیم کنند. سپس، به سؤالات یک پرسش‌نامه محقق ساخته به همراه آزمون شخصیت بزرگسال آیزنگ و آزمون خلاقیت عابدی پاسخ دهند. این پژوهش، از نوع کمی با روش همبستگی (رابطه‌ای) است که داده‌های آن با روش‌های آماری - توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت افراد با تداعی تصویری رابطه معنی‌داری وجود دارد. بدین گونه که افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افرادی با خلاقیت کمتر برون‌گراتر هستند. همچنین نتایج نشان داد که بین مضامین مختلف حاصل از تداعی‌های تصویری افراد از قطعه مقوایی فقط تجسم چهره کلاه‌به‌سر با فرم قطعه رابطه معنی‌داری دارد. به طوری که افراد خلاق‌تر، بیشتر موضوعات متفرقه و متفاوت را ترسیم کردند و افراد کمتر خلاق به ترسیم موضوع چهره کلاه‌به‌سر، بیشتر تمایل داشتند. همچنین، افراد برون‌گرا بیشترین تعداد را بین آزمون‌گران داشتند. بیشترین تفاوت برون‌گراها و درون‌گراها در تداعی و ترسیم موضوع چهره کلاه‌به‌سر بود که تعداد برون‌گراها بیشتر بود. بین احساس حرکت و تداعی‌های تصویری مختلف نیز رابطه معنی‌دار وجود داشته و احتمالاً ناشی حالت یا فرمی است که قطعه داشته است.

پس می‌توان گفت بین ابعاد شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) و خلاقیت با تداعی‌های تصویری بین هنرمندان، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کلیدواژه‌گان: خلاقیت، درون‌گرایی - برون‌گرایی، تداعی‌های تصویری، هنرمند.

* استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان.

** دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.

*** استادیار، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

**** کارشناس ارشد اقتصاد هنر، دانشکده کارآفرینی و گردشگری، دانشگاه هنر اصفهان.



مقدمه

یکی از بازی‌های دوران کودکی که اکثر ما تجربه آن را داشته‌ایم، شکل‌سازی با فرم ابرها بود به‌طوری‌که تفسیر ذهنی ما از تکه‌ابری ثابت، با دوستان متفاوت بود (تصویر ۱). این تفاوت قدرت تخیل به ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت و عوامل متعدد دیگری بازمی‌گردد که شاید منبع الهام برخی از روان‌شناسان برای طراحی برخی از آزمون‌های تصویری فرافکن شده باشد. ایده اینکه تفسیر یک شخص از اشکال مبهم، مبنایی برای ارزیابی شخصیت او قرار بگیرد، بحث جدیدی نیست. بین هنرمندان داوینچی^۱ و بوتیچلی^۲ قرن‌ها قبل، آن را پیشنهاد کرده بودند. به گونه‌ای که در قرن نوزدهم، یک بازی بر همین اساس، همه‌گیر شده بود (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۵۱).

بین نگارگران ایرانی استفاده از این روش برای بارور کردن تخیل بوده است. از جمله می‌توان به سلطان محمد در خلق چهره‌هایی از بین صخره‌های نقاشی شده به دست وی اشاره نمود. در سال ۱۸۹۵/الفرد بینه،^۳ روان‌سنج فرانسوی از لکه‌های نامشخص جوهر برای برانگیختن تخیل خلاق آزمودنی‌ها کمک می‌گرفته و سپس از طریق فراوانی پاسخ‌های آنها، مقایسه‌شان می‌کرده است. وی در آغاز، لکه جوهر نامشخصی را به آزمودنی می‌داده و از او می‌خواسته است هرچه بیشتر ادراکات خود را نام ببرد. به نظر بینه، فراوانی پاسخ‌ها در مدت زمانی معین غنای تخیل خلاق آزمودنی‌ها را نشان داده است. محققان دیگری نیز از لکه‌های جوهر برای هدف‌های تحقیقی متفاوت دیگر استفاده کردند که می‌توان به معروف‌ترین این افراد، ویبل^۴ آمریکایی اشاره نمود که در سال ۱۹۱۰ با ۲۰ عدد لکه جوهر ابداعی خود، تفاوت‌های فردی زمان عکس‌العمل گفتاری افراد را می‌سنجید. در روسیه، ریباکف^۵ ۸ عدد لکه جوهر ابداع کرد و مانند بینه تخیل افراد را سنجید. در سال ۱۹۱۶، بارلت^۶ انگلیسی رنگ‌ها را وارد لکه‌های جوهر کرد و کارت‌های رنگین به وجود آورد (بهرامی، ۱۳۸۳: ۴۲). تا بالاخره هرمان رورشاخ^۷ در سال ۱۹۲۱، ۱۰ کارت اولیه خود را با هدف سنجش ساختار شخصیتی منتشر کرد با تأکید خاص بر اینکه چگونه شخص موردآزمون، تجارب خود را سازمان می‌دهد (سازمان دهی شناختی) و این تجارب ادراک شده برایش چه معنایی دارد: نوعی تصویرسازی ذهنی^۸ (weiner, 1994: 498-504). وی همچنین با دریافت و تفسیر پاسخ‌ها با روشی تجربی آن را نمره‌گذاری کرد. پس از او بک^۹ و کلاپفر^{۱۰} این آزمون را با رویکردهای متفاوت به کار بستند (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۵۲ و ۷۵۳). از دیگر آزمون‌های فرافکن، اندریافت موضوع (TAT)^{۱۱} است که در سال ۱۹۳۰ هنری موری^{۱۲} آن را ساخت و واکنش کلامی آزمودنی را نسبت به تعدادی تصویر تجزیه و تحلیل

می‌کرد. هدف این آزمون، آشکار ساختن مضامین اساسی در فرآورده‌های تخیلی شخص است (همان: ۸۶۳).

آزمون‌های تداعی کلمات و تکمیل جملات نیز، از انواع دیگر این آزمون‌هاست. تا اینجا به آزمون‌های فرافکنی اشاره شد که تنها از طریق تداعی، تکمیل و تفسیر کردن به صورت کلامی انجام می‌شد. آزمون‌های دیگری از این نوع وجود دارد که با تصویر کردن انجام می‌شود. از جمله: آزمون نقاشی آدمک، خانه، خانواده و درخت و آزمون طرح‌های دیداری پندر^{۱۳} (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۷۶ و ۲۷۷).

برخی از خانواده درمانگرها از کل اعضا می‌خواهند یک تصویر بزرگ از فعالیت‌های خودشان بکشند و سپس طراحی مزبور را به بحث می‌گذارند (تاد و بورهات، ۱۳۷۹: ۱۴۱ و ۱۴۲). اما آزمون فرافکنی که در این نوشتار از آن استفاده شد، تلفیقی از هر دو نوع بود: تداعی تصویر و سپس ترسیم تصویر ذهنی و تبدیل آن به تصویری عینی توسط هنرمندان تجسمی از یک الگوی ثابت مقوایی. بدین گونه که، قطعه جادویی^{۱۴} (تصویر ۳) تصورات، افکار، خاطرات و روابط درونی شخصی آزمودنی را بیرون می‌کشد و آن را با تجربه‌ها و برداشت‌های گذشته وی مرتبط می‌سازد تا تداعی تصویری یا تصویرسازی ذهنی صورت گیرد.

سپس برای سازماندهی این ادراکات خلاقیت فردی و مهارت و تخصص هنری آزمودنی نیز دخیل می‌شود تا وی بتواند تصویرسازی ذهنی خود را عینی کند.

اگرچه آزمون تصویری قطعه جادویی مانند آزمون‌های فرافکن، عمدتاً بر نظریه روان‌تحلیلی مبتنی است و به عنوان یک روش بیانی با رویکرد شهودی، استعاره‌ای، آزمایشی و تعاملی ابزار سودمندی برای سنجش جامعه هنری خواهد بود، اما به دلیل نبود روش تفسیر یا نمره‌گذاری مورد توافق و نیز نمره‌گذاری ذهنی^{۱۵} آزمون‌های فرافکن که در نوع خود پایایی و اعتبار ضعیفی دارند؛ در این پژوهش به آزمون‌های تأیید شده پیشین استناد شد. همچنین، در کنار استفاده از قطعه جادویی، از پرسش‌نامه شخصیت و خلاقیت برای بررسی روابط بین تداعی تصویری (موضوع ترسیم شده) از قطعه جادویی با درون‌گرایی - برون‌گرایی و میزان خلاقیت استفاده شد.

در این نوشتار، سعی بر آن بوده است این فرضیات به آزمون گذارده شود:

فرضیه اصلی: بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقوایی و میزان خلاقیت و درون‌گرایی - برون‌گرایی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی: ۱. بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقوایی و میزان خلاقیت آنها رابطه وجود دارد.

۲. بین تداعی تصویری هنرمندان از قطعه مقوایی و میزان درون‌گرایی - برون‌گرایی آنها رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری دربردارنده ۸۰ نفر از دانشجویان و استادان هنرهای تجسمی در مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکترای دانشگاه هنر اصفهان و انجمن هنرمندان نقاش اصفهان بودند که به روش تصادفی انتخاب شدند. آزمون تصویری شامل یک قطعه مقوایی بریده شده بی هدف یکسان بود که آزمودنی‌ها می‌توانستند در جهات مختلف آن را بچرخانند و براساس نزدیک‌ترین تجسم خود، تصویری روی آن ترسیم کنند. درضمن، به هر فرد تعدادی مداد رنگی داده شد به‌طوری‌که افراد در انتخاب رنگ و حتی به‌کارگیری ابزار شخصی آزاد بودند. آزمون‌های روان‌شناختی شامل پرسش‌نامه خلاقیت از عابدی^{۱۶}، پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک^{۱۷} و یک پرسش‌نامه محقق ساخته براساس قطعه مقوایی بود. آزمون خلاقیت عابدی براساس تقسیم‌بندی چهار ویژگی خلاقیت تورنس^{۱۸} در چهار خرده آزمون: سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری^{۱۹} در محدوده‌ای نمره‌گذاری می‌شود که از خلاقیت بسیار کم تا بسیار زیاد را بر مقیاس لیکرتی در برمی‌گیرد و شامل ۶۰ سؤال سه‌گزینه‌ای است. آزمون آیزنک نیز دارای ۵۶ سؤال با ۲ گزینه بله-خیر است و سه نمره به‌دست می‌دهد که براساس آن می‌توان میزان درون‌گرایی و برون‌گرایی^{۲۰} و میزان حساسیت شخصی و تمایلات روان‌نژندی را نمره‌گذاری کرد. پرسش‌نامه محقق ساخته دارای ۹ سؤال بوده که ترجیح آزمودنی‌ها در رنگ، احساس حرکت، اولین و دومین تجسم بصری و احساس خوشایندی آنها نسبت به الگو (قطعه مقوایی) را مشخص می‌کرد. آلفای کرونباخ آزمون محقق ساخته روی نمونه‌ای از هنرمندان برابر با ۰٫۸۱ به‌دست آمد. آلفای کرونباخ در خرده‌آزمون‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری آزمون خلاقیت عابدی به‌ترتیب ۰٫۶۷، ۰٫۴۸، ۰٫۶۸ و ۰٫۵۵ گزارش شده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳). ضریب پایایی آزمون شخصیتی آیزنک نیز معادل ۰٫۸۳ گزارش گردیده است (اختیاری و همکاران، ۱۳۸۷). پژوهش حاضر، از نوع کمی با روش همبستگی است. داده‌ها با روش آماری-توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شدند.

هدف اصلی: تبیین رابطه بین تداعی‌های تصویری با درون‌گرایی-برون‌گرایی و میزان خلاقیت بین هنرمندان.

هدف‌های فرعی: تبیین رابطه بین خلاقیت و تداعی‌های تصویری بین هنرمندان و تبیین رابطه بین درون‌گرایی-برون‌گرایی و تداعی‌های تصویری هنرمندان است.

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که نگارندگان پس از جستجو در منابع خارجی و داخلی مرتبط، پژوهشی درباره انجام چنین تستی پیدا نکردند. بخشی از دلایل آن، ناشی از این واقعیت است که این ایده برای نخستین بار به ذهن نگارندگان خطور کرده و به روش حاضر به آزمون گزارد شده است. اگرچه درباره تست رورشاخ (مرادی، ۱۳۸۴) و دیگر آزمون‌های فرافکن-حتی از نوع ترسیمی انجام‌شده- کمی مشابه تست حاضر بوده، اما هیچ کدام به گونه‌ای ترسیمی روی یک فرم یکسان صورت نگرفته است؛ به‌جز در تست سنجش خلاقیت تصویری تورنس (تصویر ۲) که تقریباً شبیه به تست حاضر با خطوط موج و شکسته یکسان برای تکمیل تصویر و تبدیل آن به اشکال مختلف، میزان خلاقیت آزمودنی‌ها را از کودک تا بزرگسال می‌سنجد (تورنس، ۱۳۹۲: ۹۳). در مجموعه تست‌های تصویری نیز بخشی به دایره‌ها و تبدیل آنها به اشکال و ساختن ایده‌های جدید تعلق دارد و بخش دیگر مربوط به تکه کاغذی رنگی به‌شکل منحنی است که از آزمودنی خواسته می‌شود آن را هرچا می‌خواهد، بچسباند و تبدیل به شکل دیگری کند (متقی، ۱۳۹۱). درباره پژوهش میان جامعه هنرمندان باید گفت، گاه تنها با رویکردهای روان‌کاوانه به تحلیل آثار خاصی پرداخته شده است (صنعتی، ۱۳۸۹). درخصوص تفاوت ویژگی‌های شخصیتی هنرمندان و افراد عادی (آقایی و همکاران، ۱۳۸۲) و نیز رابطه بین میزان خلاقیت و نابهنجاری (محمودی، ۱۳۷۹)، پژوهش‌هایی انجام شده است که به‌دلیل خلاء موجود در پژوهش‌هایی در زمینه به‌آزمون‌گذاشتن اثر هنرمندان و تطبیق‌شان با میزان خلاقیت و نوع شخصیت آنها به‌صورت آزمون‌های استاندارد، ضرورت تحقیقاتی تصویری از این دست، احساس می‌شود.



تصویر ۲. نمونه‌ای از آزمون خلاقیت تصویر (نگارندگان)



تصویر ۱. بازی با لکه‌های ابر (نگارندگان)

یافته‌ها

الف. توصیف آزمون تصویری

در این بخش که صرفاً خود تصاویر ترسیم‌شده بر قطعه جادویی توصیف می‌شود، سعی شده با الهام از معیارهایی که رورشاخ برای تست لکه‌های جوهر برای نمره‌گذاری استفاده کرده بود، به تحلیل پرداخته شود.

وی از سه معیار: محتوا^{۲۱} (نوع و مقدار اشیای خاص تداعی‌شده)، تعیین‌کننده‌ها^{۲۲} (شکل، رنگ یا بافتی که باعث تداعی شده) و محل ادراک^{۲۳} (مکان یا فضایی از لکه جوهر که باعث تداعی تصویر یا پاسخ شده است)، استفاده کرد (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۷۲-۷۸۱). رورشاخ به‌طور مشابه در بخش محتوا به موضوع تصاویر و نوع برخورد آزمودنی‌ها اشاره می‌نماید و در دو بخش بعدی، به جهتی که تصویر بر آن قطعه نقش می‌شود. همچنین، اشاره می‌کند قطعه جادویی کارشده شکل کامل تصویر را دربردارد یا بخشی از آن را. در بخش محتوا باید گفت که برخورد آزمودنی‌ها (هنرمندان) با این قطعه متفاوت بود. بعضی در همان اولین برخورد، تصویری در ذهن آنها شکل می‌گرفت و با دم‌دست‌ترین ابزار شروع به ترسیم آن می‌کردند. بعضی دیگر با حرکت دادن، چرخاندن و پشت‌ورو کردن قطعه به فکر فرومی‌رفتند و سپس ترسیم را آغاز می‌کردند. افراد دیگری نیز تداعی‌های متنوعی در آن واحد به ذهن‌شان متصور می‌شد به‌طوری که، قدرت انتخاب را از آنان می‌گرفت و پشت آن قطعه مقوایی را هم نقش می‌کردند (تصویرهای ۴-۶) یا حتی، تعداد بیشتری از آن قطعه جادویی را می‌خواستند. بیشتر افراد در نگاه اول چهره کلاه‌به‌سر را می‌دیدند اما برخی به برداشت و تداعی نخستین قانع نبوده و تداعی‌های بعدی را انتخاب می‌کردند. اگرچه هم‌گروه‌ها در شیوه ترسیم تفاوت‌هایی از لحاظ ساختاری با یکدیگر داشتند اما با بررسی موضوعات متنوع کارشده و هم‌گروه کردن موضوعات متفاوت، ۱۰ گروه متنوع با موضوعات تقریباً یکسان به‌دست آمد (جدول ۳).

همان‌طور که گفته شد، آزمودنی‌ها یا از همان ابتدا یا پس از چرخاندن قطعه در جهت خاصی تصویر تداعی‌شده را ترسیم می‌کردند. به‌عبارتی، پاسخ آزمودنی گاه به‌شکل عمودی قطعه،

جدول ۱. مقایسه خلاقیت و شخصیت هنرمندان

گروه	خلاقیت بالا	خلاقیت پائین
نمره برون‌گرایی (E)	۱۳.۱۵	۷.۲۵
نمره روان‌نژندی (N)	۱۰.۵	۵.۷۵
نمره خلاقیت (C)	۹۸	۶۲

(نگارندگان)

افقی یا وارونی جانبی آن بود. با بررسی کل ۸۰ قطعه، دیده می‌شود که استفاده از جهت عمودی فرم برای ارائه پاسخ بیشتر از جهت افقی آن بود. همچنین بیشترین تداعی آنها از موجودات جاندار بود تا بی‌جان؛ جز مواردی چون کفش، هواپیما و دو موضوع انتزاعی. در مواردی نیز نمونه‌هایی شبیه به هم از لحاظ محتوا و ساختار از افراد ناآشنا با یکدیگر به‌دست آمد (تصویر ۷). اگرچه با موضوعی یکسان چون پرند نیز در همه وجوه قطعه در آثار افراد مختلف نمونه‌هایی متفاوت یافت شد (تصویر ۸). عامل دیگری که باعث تنوع تصویری در پاسخ تصویری آزمودنی‌ها بود، مربوط به مسئله وفاداری به فرم بود. غیر از فردی که خارج از آن فرم اما با الهام از آن بر کاغذ دیگری نقش‌آفرینی کرد، بقیه بر خود قطعه کار کردند. با این تفاوت که در بعضی قطعه‌های کارشده تصویر کامل در فرم جا داده شده و در برخی دیگر، بخشی از تصویر در قالب فرم قطعه ترسیم نشده بود (تصویر ۹).

ب. توصیف داده‌های آماری

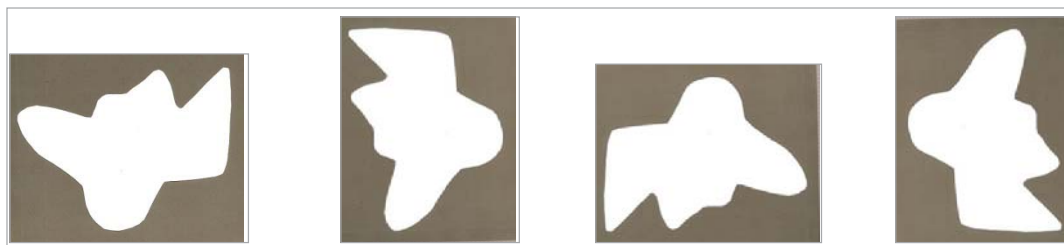
ابتدا براساس نمره آزمودنی‌ها در تست خلاقیت عابدی، افراد دارای خلاقیت زیاد و بسیار زیاد از سایرین جدا شدند. بدین ترتیب، دو گروه: خلاقیت بالا ($N=20$) و خلاقیت پائین ($N=60$) شکل گرفتند (جدول ۱).

براین اساس، روشن می‌شود که در گروه خلاقیت بالا هر سه شاخص برون‌گرایی (E)، گرایش به روان‌نژندی (N) دارند و خلاقیت (C) بالاتر از گروه خلاقیت پائین است. به‌عبارت دیگر، افرادی که نمره خلاقیت بالاتری داشته‌اند باوجود آن که یک‌چهارم کل آزمودنی‌ها را شامل شده‌اند میانگین نمره خلاقیت، برون‌گرایی و نیز گرایش به روان‌نژندی آنها بالاتر است.

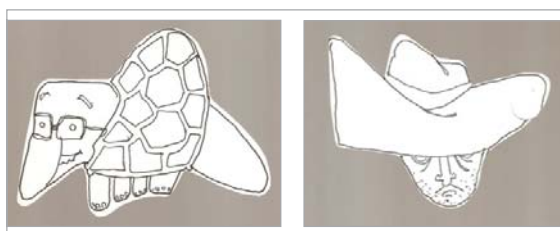
در بررسی محتوایی قطعه جادویی ترسیم‌شده آزمودنی‌ها، این نکته به‌دست آمد که درمجموع، تمایل به ترسیم چهره کلاه‌به‌سر بیشتر از موضوعات دیگر بوده است. رابطه این تداعی‌ها با میزان خلاقیت و درون‌گرایی - برون‌گرایی، در بخش استنباطی تحلیل داده‌ها نیز بررسی خواهد شد.

مطالب جدول ۲، نشان‌دهنده فراوانی و درصد افرادی است که با استفاده از قطعه جادویی به ترسیم مضامین مختلف پرداخته‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیش از ۳۶ درصد از آزمودنی‌ها با دیدن قطعه جادویی، چهره کلاه‌به‌سر را ترسیم کرده‌اند. درحالی که ترسیم سایر مضامین درعین تفاوت داشتن از منظر فراوانی، با اختلاف زیادی از آن (تداعی چهره کلاه‌به‌سر) قرار گرفته‌اند.

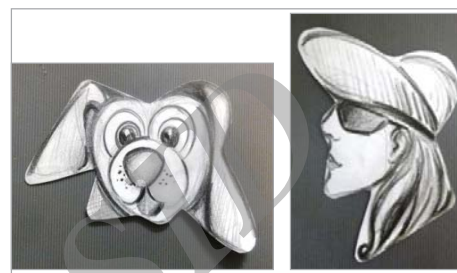
مطالب جدول ۳ که براساس بررسی و تحلیل پرسش‌نامه محقق ساخته به‌دست آمد، توزیع فراوانی مربوط به نخستین



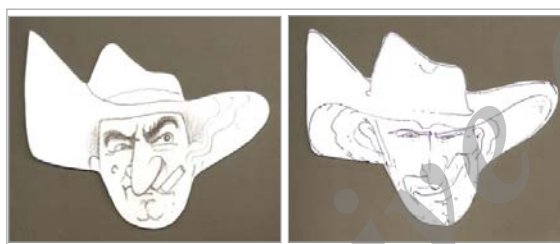
تصویر ۳. قطعه جادویی از زوایای مختلف (نگارندگان)



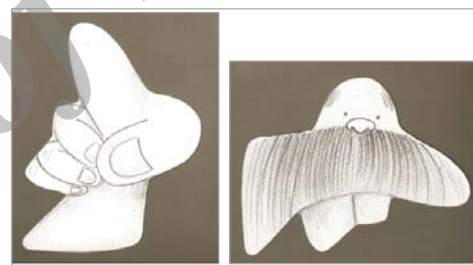
تصویر ۵. پشت‌ورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است (نگارندگان)



تصویر ۴. پشت‌ورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است (نگارندگان)



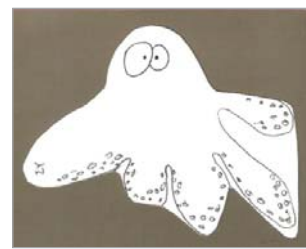
تصویر ۷. محتوای یکسان در یک جهت از دو آزمون گر مختلف (نگارندگان)



تصویر ۶. پشت‌ورو را یک نفر با موضوعات متفاوت انجام داده است (نگارندگان)



تصویر ۸. محتوای یکسان در چهار جهت مختلف (نگارندگان)



تصویر ۹. در دو تصویر سمت راست وفاداری کمتری نسبت به فرم در مقایسه با سمت چپ دیده می‌شود (نگارندگان)



تصویر، ترجیح رنگ و احساس حرکت آزمودنی‌ها را در برخورد با قطعه جادویی نشان می‌دهد.

با بررسی مطالب جدول ۳، می‌توان دریافت که در این تست تصویری (قطعه جادویی)، بیشتر آزمودنی‌ها در همه طبقات موضوعی ذکر شده، نوعی تجسم حرکت را در این قطعه تصور کرده‌اند. به عبارت دیگر، ذات فرمی این قطعه به گونه‌ای است که فارغ از مقوله پاسخ یعنی اینکه آزمودنی روح، کفش، کلاه یا هر چیز دیگر که در آن دیده است، همراه با آن تجسمی از حرکت و عموماً روبه بالا یا روبه جلو است. این موضوع، می‌تواند تاحدی ناشی از القای این احساس به واسطه شکل خاص قطعه باشد. گذشته از این، مضمون چهره انسان چه نیم‌رخ و چه تمام‌رخ، به عنوان نخستین تصویر تداعی شده در ذهن آزمودنی‌ها به چشم می‌خورد.

ج. تحلیل استنباطی داده‌ها

همبستگی بین خلاقیت و نمره بالا در مقیاس‌های برون‌گرایی و گرایش به روان‌نژندی از نظر آماری، معنی‌دار بوده است. به عبارت دیگر، افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افرادی با خلاقیت پائین، برون‌گراتر هستند (جدول ۴).

اگرچه میزان خلاقیت براساس مقیاس لیکرتی است (۱۲۰-۱۰۰ بسیار بالا، ۹۹-۸۵ بالا، ۸۴-۷۵ متوسط، ۷۴-۵۰ کم و ۴۹-۰ بسیار کم) اما در اینجا با نقطه برش را ۸۰ فرض کنیم، افراد بالای این نمره تحت عنوان خلاقیت بالا و افراد پائین‌تر از آن با خلاقیت پائین دسته‌بندی می‌شوند که ۳۹ نفر در گروه خلاقیت بالا و ۴۱ نفر در گروه خلاقیت پائین، قرار می‌گیرند. طبق جدول، چشمگیرترین تفاوت موضوعات یا تداعی‌های تصویری از این قطعه جادویی به موضوع چهره کلاه‌به‌سر با تفاضل ۵ و موضوعات متفرقه با تفاضل ۷ اختصاص دارد. پس می‌توان گفت در این آزمون، افرادی با خلاقیت بالا بیشترین تداعی آنها تصاویری متفرقه و متفاوت بوده است و افرادی با خلاقیت پائین‌تر، بیشتر تصاویری با موضوع چهره کلاه‌به‌سر را تداعی و سپس ترسیم کرده‌اند (جدول ۵).

همان‌طور که در جدول مذکور دیده می‌شود، با نقطه برش ۱۰، افراد درون‌گرا و برون‌گرا تفکیک شدند. در این نمونه آماری، هنرمندان تجسمی بیشتر از نصف آزمون‌گران برون‌گرا هستند که بیشترین اختلاف مربوط به موضوع چهره کلاه‌به‌سر است. بدین ترتیب افرادی که این تداعی تصویری را داشته‌اند، برون‌گراتر هستند.

همچنین براساس مجذور خی^۲ به دست آمده، رابطه احساس حرکت با مضامین ذکر شده از نظر آماری معنی‌دار و نشانگر حالت یا فرمی است که قطعه داشته است.

بحث

پژوهش حاضر، با هدف بررسی ارتباط و جستجوی نوع رابطه بین تداعی‌های تصویری با وجه درون‌گرایی - برون‌گرایی شخصیتی و میزان خلاقیت روی جامعه هنرمندان تجسمی، به دلیل توانایی و مهارت آنها در ترسیم (عینی کردن) تصویرسازی ذهنی انجام شد. در ابتدا دیده شد که افرادی خلاق‌تر، برون‌گراتر و با حساسیت‌های شخصیتی بیشتری گزارش شدند. سپس از بررسی‌های محتوایی و آماری درباره برخورد‌های متنوع هنری آزمون‌گران با این قطعه جادویی و نیز نتایج دو آزمون هنجار شده خلاقیت و شخصیت و همچنین پرسش‌نامه محقق‌ساخته، نتیجه نهایی حاکی از آن بود که تداعی تصویری با موضوع چهره کلاه‌به‌سر از بقیه موضوع‌های کار شده بیشتر بود. به طوری که افرادی با خلاقیت پائین نسبت به افراد خلاق‌تر بیشترین تداعی آنها همین موضوع چهره کلاه‌به‌سر بود که نشانگر دید یکسان و مشابه است و شاید دلیلی بر وجود شباهت این موضوع با فرم قطعه جادویی در اولین برخورد و تداعی نخستین و نمایانگر ابتکار کمتر در خلق و ترسیم این موضوع باشد. از آنجایی که ابتکار یکی از ۴ عامل خلاقیت (از دیدگاه تورنس) است، می‌توان گفت افراد کمتر خلاق به اولین تداعی اکتفا کردند. در مقابل، افراد با خلاقیت بالا بیشترین تداعی تصویری آنها موضوعات متفرقه نسبت به آزمون‌گرانی با خلاقیت پائین بود. چون موضوعات متفرقه، تداعی‌هایی بودن که به دلیل تنوع، گوناگونی و تفاوت با یکدیگر در یک گروه خاص قرار نمی‌گرفتند، نشانگر ابتکار یعنی استعداد تولید ایده‌های نو و غیرمعمول و در نتیجه خلاقیت بالا بود. از طرفی، بیشتر آزمون‌گران به دلیل زمینه کار هنری و برون‌ریزی احساسات و عواطف بنابر ضرورت کار و حرفه آنان، طبق آمار نزدیک به دوسوم برون‌گراتر گزارش شدند. در این بین، افراد برون‌گراتر دارای بیشترین تداعی چهره کلاه‌به‌سر نسبت به افراد درون‌گرا بوده‌اند که شاید به دلیل بیشترین فراوانی این موضوع نسبت به دیگر موضوعات و نیز نسبت بیشتر افراد برون‌گرا نسبت به درون‌گرا در این نمونه آماری از جامعه هنرمندان تجسمی اصفهان باشد. همچنین، فرم این قطعه برای اکثریت حسی از حرکت را القا می‌کرد. از آنجاکه فرم مقوایی بی‌هدف برای همه آزمون‌گران یکسان بوده، برخورد‌ها و تداعی‌های آنها متفاوت بود. شاید بتوان در آینده‌ای نزدیک، با توجه به عوامل تأثیرگذار (مداخله‌گرهای درونی و بیرونی فرد) بر این گوناگونی و تنوع طراحی‌های ترسیم‌شده بر قطعه، به تفاوت‌های فردی اعم از نوع درون‌گرایی و برون‌گرایی شخصیتی و میزان خلاقیت آنان به طور مستقل از روی تصویر رسم‌شده بر این قطعه جادویی در پژوهش‌های گسترده‌تر بین جامعه هنرمندان تجسمی پی‌برد.



جدول ۲. فراوانی و درصد موضوعات ترسیم شده در قطعه مقوایی

موضوع	چهره مرد بینی بزرگ	چهره کلاه به سر	پرنده	هواپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت های کار تونی	کفش	متفرقه	جمع
نمونه تصویری											
تعداد	۴	۲۹	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰
درصد	۵	۳۶.۳	۸.۸	۳.۸	۶.۳	۳.۸	۳.۸	۶.۳	۳.۸	۲۲.۵	۱۰۰

(نگارندگان)

جدول ۳. مقایسه نخستین تصویر تداعی شده؛ ترجیح رنگ و نوع حرکت آزمودنی از قطعه جادویی

موضوع	نخستین تصویر تداعی شده	ترجیح رنگ	القای نوع حرکت
چهره مرد با بینی بزرگ	آدم فضایی، آدم بی حال، فیگور	آبی، بنفش، صورتی	حرکت آرام
چهره کلاه به سر	آدم، نیم رخ آدم، چهره مرد با کلاه، نیم تنه	آبی، زرد، سفید، نارنجی	رقص، پرواز، حرکت به جلو
پرنده	پرنده، چهره کلاه به سر، خفاش، گل	آبی، قهوه ای، نارنجی، سفید	پرواز، حرکت روبه بالا
هواپیما	پرنده، هواپیما، اسباب بازی	آبی، زرد، سفید	حرکت آرام هواپیما، حرکت روبه بالا
روح	زن، چهره انسان، روح	نارنجی، سفید	سکون (بی حرکتی)، پرواز
چهره زن موبسته	عقاب در حال پرواز، موز باز شده	زرد، سیاه و سفید	پرواز پرنده، حرکت منحنی
مادر و کودک	سایه هواپیما، مادر و کودک، فیگور انسان	سرخایی، بنفش، سیاه و سفید	حرکت فیگور، اوج گیری هواپیما
شخصیت های کار تونی	فیگور، چهره انسان، تصویر انتزاعی	خاکستری، قرمز، آبی، سفید	افتادن، باد، معلق بودن
کفش	چکمه، پوتین، کفش	خاکستری	حرکت دورانی، راه رفتن
متفرقه	آدم، چهره انسان	آبی، سیاه و سفید	حرکت منحنی

(نگارندگان)

جدول ۴. مقایسه میزان خلاقیت با تداعی های تصویری

موضوع	چهره مرد بینی بزرگ	چهره کلاه به سر	پرنده	هواپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت های کار تونی	کفش	متفرقه	جمع
خلاقیت بالا	۱	۱۲	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۰	۱۳	۳۹
خلاقیت پائین	۳	۱۷	۴	۱	۲	۱	۱	۳	۳	۶	۴۱
جمع کل موضوعات	۴	۲۹	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰

(نگارندگان)

جدول ۵. مقایسه درون گرایی - برون گرایی با تداعی های تصویری

موضوع	چهره مرد بینی بزرگ	چهره کلاه به سر	پرنده	هواپیما	روح	زن موبسته	مادر و کودک	شخصیت های کار تونی	کفش	متفرقه	جمع
برون گرایی	۳	۱۸	۴	۲	۳	۲	۲	۴	۲	۹	۵۱
درون گرایی	۱	۱۱	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹	۲۹
جمع کل موضوعات	۴	۲۹	۷	۳	۵	۳	۳	۵	۳	۱۸	۸۰

(نگارندگان)



نتیجه‌گیری

در بررسی یافته‌های این پژوهش، نتایجی بدین شرح به دست آمد:

بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت افراد با تداعی تصویری رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد دارای خلاقیت بالا از حساسیت‌های شخصیتی بیشتری برخوردار بوده و نسبت به افراد کمتر خلاق، برون‌گرا تر هستند. بیشترین تداعی تصویری هنرمندان با میزان خلاقیت پائین‌تر چهره کلاه‌به‌سر بود و افراد خلاق‌تر به ترسیم موضوعات متفرقه بیشتر تمایل داشتند. از آنجا که خلاقیت بالا با برون‌گرایی و روان‌نژندی رابطه معنی‌داری دارد، می‌توان گفت بین ابعاد شخصیتی و خلاقیت با تداعی‌های تصویری میان هنرمندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد با برون‌گرایی شخصیتی بین آزمون‌گران بیشتر از افراد درون‌گرا بود و تفاوت برون‌گرایی با درون‌گرایی در موضوع چهره کلاه‌به‌سر بود که افراد برون‌گرا در ترسیم آن سهم بیشتری داشتند. همچنین، نتایج نشان داد که بین مضامین مختلف حاصل از تداعی‌های تصویری افراد از قطعه مقوایی فقط تجسم چهره کلاه‌به‌سر با فرم قطعه رابطه معنی‌داری دارد و بین احساس حرکت و تداعی‌های تصویری مختلف نیز رابطه معنی‌دار وجود داشته است. این رابطه احتمالاً ناشی از حالت یا فرمی است که قطعه داشته و این حرکت، اغلب رو به بالا یا جلو تجسم شده است.

محدودیت‌ها

- جامعه این پژوهش به دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان و جمعی از اعضای انجمن هنرمندان نقاش اصفهان محدود بوده و بنابراین، نتایج را نمی‌توان به سایر هنرمندان تعمیم داد.
- به دلیل وقت کمی که افراد شرکت‌کننده در پژوهش داشتند، امکان استفاده از سایر پرسش‌نامه‌ها برای پژوهشگر میسر نبوده است.

پیشنهادهای

- در پژوهش‌های آتی از سایر آزمون‌های شخصیتی و آزمون تخیل نیز استفاده شود.
- پژوهش حاضر روی دیگر گروه‌های هنرمندان و دانشجویان هنر و همچنین کودکان انجام شود.
- در پژوهش‌های آتی درباره عوامل تأثیرگذار بر تداعی تصویری و علل تنوع آن تداعی‌ها بین هنرمندان بررسی‌هایی انجام شود.

سپاس‌گزاری

از دانشجویان و استادان دانشگاه هنر اصفهان و اعضای انجمن هنرمندان نقاش اصفهان که با اختصاص دادن وقت ارزشمند خود برای انجام این آزمون‌ها پژوهشگر را در انجام این کار یاری رسانده‌اند، سپاس‌گزاری می‌شود.

پی‌نوشت

1. Davinci
2. Botticelli
3. Binet
4. Whipple
5. Rybakov
6. Burllet
7. Hermann Rorschach
8. Thematic Imagery
9. Beck



10. Klopfer
11. Thematic Apperception Test
12. Henry Murray
13. Bender

۱۴. در زمان رورشاخ نیز به دلیل فریبندگی و رمزگونه بودن این آزمون، به آن لقب اشعه X ذهن می دادند که این به افزایش قدرت و سحرآمیز بودن آن کمک کرده است (مارنات، ۱۳۸۴: ۷۶۲). در اینجا هم به دلیل اینکه از یک الگوی یکسان به تعداد جامعه آماری تنوع تداعی تصویر و ترسیم تصویر وجود دارد، لقب قطعه جادویی داده شده است.

۱۵. از این جهت گفته می شود که تفسیرها در این نوع تست، ذهنی است که ذهنیت تفسیر دوبرابر می شود. زیرا نه تنها مراجع بخشی از شخصیت خود را به تصویر فرافکنی می کند بلکه تفسیرکننده هم ممکن است بخشی از شخصیت خود را در تفسیرهایش فرافکنی کند (مارنات، ۱۳۸۴: ۹۴۴).

۱۶. برای آگاهی بیشتر نگاه شود به:

- عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه های نو در اندازه گیری آن، پژوهش های روان شناختی. (۱ و ۲)، ۴۶-۵۴.

17. Eysenck Personality Inventory
18. Torrance Creativity Test

۱۹. سیالی: استعداد تولید ایده های فراوان؛ بسط: استعداد توجه به جزئیات؛ ابتکار: استعداد تولید ایده های نو و غیرمعمول و انعطاف پذیری: استعداد تولید ایده ها یا روش های بسیار گوناگون را می سنجد (عابدی، ۱۳۷۲: ۲).

۲۰. به علت تفاوت بین عقیده رایج و معنی مورد نظر از برون گرایی و درون گرایی، به توضیحاتی اشاره می شود: طبق نظر کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) افراد برون گرا، نظری عینی و غیر شخصی درباره دنیا دارند و درون گراها اصولاً به صورت ذهنی یا فردی مسائل را در نظر می گیرند. اما به اعتقاد آیزنک، افراد برون گرا با صفات معاشرتی و تکانش گری مشخص می شوند و درون گراها با صفات مخالف برون گراها (آرام، نافعال، با احتیاط، صلح جو و مقید) مشخص می شوند (فیست، ۱۳۸۳: ۴۷۳). براساس چهار مزاج جالینوس مزاج های صفراوی و دموی نزدیک به برون گرایی هستند و سوداوی و بلغمی ها ویژگی های مشترکی مطابق با خصوصیات درون گرایی دارند (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

21. Content
22. Determinants
23. Location

۲۴. آزمون خی دو (کی دو یا مربع کای)، از آزمون های آماری و از نوع ناپارامتری است که برای ارزیابی هم قواری متغیرهای اسمی به کار می رود.

منابع و مآخذ

- آقایی، اصغر؛ ملک پور، مختار و جلالوند، لادن (۱۳۸۲). مقایسه ویژگی های شخصیتی هنرمندان با افراد عادی، دانش و پژوهش در روان شناسی. (۱۸)، ۴۱-۶۴.
- اختیاری، حامد؛ صفایی، هومن؛ اسماعیلی جاوید، غلامرضا؛ عاطف وحید، محمد کاظم؛ عدالتی، هانیه و مکرری، آذرخش (۱۳۸۷). روایی و پایایی نسخه های فارسی پرسش نامه های آیزنک، بارت، دیکمن و زاگرم در تعیین رفتارهای مخاطره جویانه و تکانشگری، روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران. سال چهاردهم، (۳)، ۳۲۶-۳۳۶.
- بهرامی، هادی (۱۳۸۳). آزمون های فرافکنی شخصیت. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- تاد، جودیت و بوهارت، آرتور سی (۱۳۷۹). اصول روان شناسی بالینی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- تورنس، ئی. پال (۱۳۹۲). خلاقیت. ترجمه حسن قاسم زاده، چاپ پنجم، تهران: دنیای نو.
- دادستان، پریخ و منصور، محمود (۱۳۷۶). روان شناسی بالینی. تهران: بعثت.
- دائمی، حمیدرضا و مقیمی، فاطمه (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت، تازه های علوم شناختی. سال ششم، (۳)، ۸-۱.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۳). تغییر رفتار و رفتاردرمانی نظریه ها و روش ها. تهران: دانا.
- صنعتی، محمد (۱۳۸۹). تحلیل های روان شناختی در هنر و ادبیات. تهران: مرکز.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه های نو در اندازه گیری آن، پژوهش های روان شناختی. (۱ و ۲)، ۴۶-۵۴.
- فیست، جس و فیست، گریگوری جی (۱۳۸۷). نظریه های شخصیت. ترجمه سیدیچی محمدی، تهران: روان.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷). روان شناسی شخصیت. چاپ دوازدهم، تهران: ویرایش.



- مارنات، گری گراث (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی. ترجمه حسن پاشاشریفی و محمدرضا نیکخو، تهران: سخن.
- مای‌لی، ربرتو. (۱۳۸۱). ساخت پدیدآیی و تحول شخصیت. ترجمه محمود منصور، تهران: دانشگاه تهران.
- متقی، مریم (۱۳۹۱). تست خلاقیت تورنس (تصویری)، <http://mottaghi1386.blogfa.com/post-31.aspx>، (بازیابی شده در تاریخ: ۹۲/۴/۲۹).
- محمودی، غلامرضا (۱۳۷۹). بررسی رابطه خلاقیت هنری و رفتار نابهنجار، دانش و پژوهش در روان‌شناسی. (۶)، ۴۳-۵۹.
- مرادی، جلال (۱۳۸۴). بررسی پاسخ‌های عمومی تست رورشاخ (پاسخ‌های P) در سطح دانشگاه اصفهان مقطع سنی بزرگسالان. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- Bruce, V.; Green, R. & Georgeson, M. (2010). **Visual Perception: Physiology, Psychology and Ecology**. New York: Psychology Press.
- Croucher, C. J.; Bertamini, M. & Hecht, H. (2002). Naive Optics: Understanding the Geometry of Mirror Reflections. **Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance**, 28: 546-62.
- Dolev, J. C.; Friedlaender, L. K. & Braverman, I. M. (2001). Use of Fine Art to Enhance Visual Diagnostic Skills. **Journal of American Medical Association**, 286: 347-68.
- Lanyon, R. I. & Goodstein, L. D. (1997). **Personality Assessment** (3rd Ed.). New York: Wiley.
- Meloy, J. R. & Gacono, C. B. (1992). The Aggression Response and the Rorschach. **Journal of Clinical Psychology**, 48: 105-114.
- Rogowitz, R. E. & Voss, R. F. (1990). Shape Perception and Low Dimension Fractal Boundary Contours, **Proceedings of the Conference on Human Vision: Methods, Models and Applications**, S.P.I.E., 1249, 387-394.
- Santella, A. (2005). The Art of Seeing: Visual Perception in Design and Evaluation of Non-Photorealistic Rendering. PhD Dissertation: The State University of New Jersey.
- Weiner, I. B. (1994). The Rorschach Inkblot Method (RIM) Is not a Test: Implications for Theory & Practice. **Journal of Personality Assessment**, 62, 498-504.
- Wood, J. M. & Lilienfeld, S. O. (1999). The Rorschach Inkblot Test: A Case of Overstatement?, **Assessment**, 6: 341-349.
- Young, G. R.; Wagner, E. E. & Finn, R. F. (1994). A Comparison of Three Rorschach Diagnostic Systems and Use of the Hand Test for Detecting Multiple Personality Disorder in Outpatients. **Journal of Personality Assessment**, 62: 485-497.



The Relation between Visual Associations of a Random Fixed Cardboard Piece and Introversion-Extroversion as well as the Level of Creativity in a Group of Visual Artists

Afsaneh Nazeri* Parisa Darouei** Karim Asgari*** Saleh Ghaei****

Abstract

The mental visual association of a vague and shapeless form may happen for anybody but only an artist can make an objective form out of it through drawing. This article studies the relationship between the visual associations of a random cardboard piece as the pattern drawn by the artists and the type of their personality as well as the level of their creativity. The samples consist of 80 artists in different educational levels including BA, MA and PhD in the Art University of Isfahan and Isfahan Painters Association that were selected by convenience sampling. A white piece of cardboard with an identical random form was given to samples on which they were asked to draw their visual association. Then, they were asked to answer a questionnaire made by the researcher along with Eysenck personality test and Torrance creativity test. This research is a quantitative study using correlation method and its data was analyzed drawing on descriptive-statistical and deductive techniques as well as SPSS software. The results of this study show that there is a significant relation between the type of personality, creativity and visual association; that is, the samples with higher level of creativity had higher personal sensitivity and were more extrovert relative to lower-creativity samples. The results also show that among various themes acquired from visual association of the cardboard piece only the association of "the man in hat" has a significant relation with the form of the piece so that the samples with higher level of creativity drew different themes whereas samples with lower level of creativity tended more to draw "the man in hat" theme. Moreover, amongst the samples, extrovert persons outnumbered other groups. The most prominent difference between extroverts and introverts lies in the association and drawing of "the man in hat" theme in which extroverts outnumbered other groups. There is also a significant relationship between the feeling of motion and various visual associations which may be due to the state or form of the piece.

Hence, it could be suggested that there is a significant relation between the type of personality (introversion or extroversion), creativity and visual association among visual artists.

Keywords: creativity, extroversion-introversion, visual associations, artist.

* Assistant Professor, School of Visual Arts, Art University of Isfahan

** PhD Candidate, Art University of Isfahan

*** Assistant Professor, School of Psychology and Educational Sciences, University of Isfahan

**** MA, School of Cultural Entrepreneurship and Tourism, Art university of Isfahan